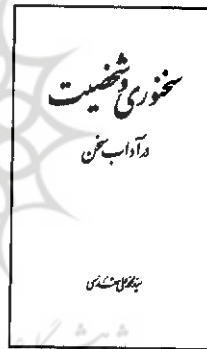


## یک کتاب در یک مقاله

# سخنوری و شخصیت در آداب سخن

عبدالله ناقد

سخنوری و شخصیت در آداب سخن، نویسنده و ناشر: سید محمد علی مقدّسی، ج ۱، چاپ یکم، ۲۰۸ ص، وزیری، قم، ۱۳۷۷.



اشاره:

مقاله‌ی حاضر، گزیده‌ی کتاب سخنوری و شخصیت در آداب سخن نوشته آقای سید محمد علی مقدّسی است. این مقاله، نکات سودمند کتاب را با اندکی تغییر و اختصار به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کند.

## در مقدمه می خوانیم:

اختصار، از ذکر منابع و مأخذ - به جز در موارد خاص - خودداری شد. کلیه ی مأخذ، نزد نویسنده، محفوظ است و عند اللزوم در اختیار قرار داده می شود.

### مطالب کتاب

#### ۱- آموزش و تدریج

کسانی که می خواهند فن بیان را فراگیرند، نخست باید مدتی پای صحبت دیگران بنشینند و سخنرانی های مختلف را بشنوند و نقاط ضعف و قوت آن را بسنجند.

نوآموز باید چندی شخصیت سخنرانان را بسنجد؛ یعنی نشست و برخاست، طرز ایستادن پیش روی مردم یا نشستن بر منبر، حرکات و سکنات و اشارات دست و سر، درشتی و نرمی لحن، بلندی و کوتاهی صوت، حالات و حرکات چشم، شیوه ی بیان و نظم و ترتیب منطقی مطالب و محور و ارتباط آن ها را به دقت مورد توجه قرار دهد و

در باب اصول فن خطابه و نظریات علمای مغرب زمین، از کتاب آداب سخن، نگارش آقای علی پاشا صالح، استاد گران قدر و کریم النفس دانشگاه تهران - که این جانب در دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران افتخار شاگردی ایشان را داشته و از خرمن فیض اش بهره ها برده ام - اقتباس گردیده که به تلخیص و تصرف و حذف و اضافات همراه با یادداشت هایی از تقریرات درس معظم له و قبساتی از درس های استاد شهید، علامه مرتضی مطهری - که در درس تفسیر قرآن کریم، کم ترین شاگرد ایشان بوده ام - آورده ام و به هر مناسبت، مطالب متنوع و سودمند دیگری بر آن افزوده... و تقدیم اهل خطابت می کنم... کوشیده ایم تا سر حد امکان در کم ترین حجم، بیش ترین مطالب را بیاوریم: «یکی را صد مکن، صد را یکی کن».

نکته ی دیگر آن که به جهت

پیش از گوینده شدن، شنونده‌ی خوبی باشد.

## ۲- مجلس زنده و آداب شنونده

مستمع باید با علاقه‌مندی توجه کند و اگر سخنان را می‌پسندد، با تکان دادن سر گوینده را تشویق کند. خمیازه کشیدن، چرت زدن، روتروش کردن، خود

---

نواآموز باید چندی شخصیت سخنرانان را بسنجد؛ یعنی نشست و برخاست، طرز ایستادن پیش روی مردم یا نشستن بر منبر، حرکات و سکانات و اشارات دست و سر، درشتی و نرمی لحن، بلندی و کوتاهی صوت، حالات و حرکات چشم، شیوه‌ی بیان و نظم و ترتیب منطقی مطالب و محور و ارتباط آن‌ها را به دقت مورد توجه قرار دهد و پیش از گوینده شدن، شنونده‌ی خوبی باشد.

---

را برتر از گوینده نشان دادن، نجوا و صحبت‌های درگوشی، دویدن وسط حرف گوینده، هیچ یک شرط مروت و انصاف نیست و سخنرانی در چنین

مجلسی، انهدام شخصیت و روحیه است، باید تغییری اساسی در مجلس ایجاد کرد.

## ۳- مراحل سخنرانی

سخنوری را مراحل است: یکم تهیه‌ی مطالب؛ دوم تنظیم و ترتیب آن‌ها، سوم کیفیت بیان.

هدف از سخنرانی، می‌تواند یکی از این پنج منظور باشد: اطلاع‌رسانی، اقناع، ترغیب و تشویق، تأثیر گذاری، تفریح و سرگرمی.

در سخنرانی‌های تفریحی، مانند اردوها و مسافرت‌ها و ضیافت‌ها و تالارهای پذیرایی، معمولاً، از لطیفه‌ها و خاطرات و نکات دل‌پذیر برای سرگرمی حاضران گفته می‌شود، ولی دنیای روز به جنبه‌های علمی و گفتارهای مثبت و جدی، بیش‌تر اهمیت می‌دهد. حتی در این‌گونه مجالس هم مردم انتظار دارند که مطالب سودمند و مفید بشنوند تا دست کم به درد دنیای آنان بخورد.

## ۴- طرح سخنرانی

قبل از تنظیم مطالب، باید طرحی برای سخنرانی تهیه کرد. طرح را به بیمه نامه تشبیه کرده‌اند؛ زیرا سخنران بدون

سه گانه را به مجالس میهمانی تشبیه کرده‌اند؛ بدین معنا که میزبان پیش از صرف غذا شربتی گوارا جهت رفع عطش می‌آورد و پس از صرف غذا هم با چای یا شیرینی یا میوه پذیرایی می‌کند.

#### ۶- کیفیت بیان

طبق تحقیقات جدید، حتی طرز ایستادن و راه رفتن و نشست و برخاست، در آهنگ و صوت مؤثر است. آهنگ و صوت نیز اهمیت زیادی دارد، چه رسد به صدق گفتار و صفای باطن و نیک بینی و عواطف و سایر ملکات اخلاقی.

#### ۷- علاقه‌ی وافر

در طرز ورود به کرسی خطابه و برخورد با حضار و حرکات و حالات سخنران، نکات دقیق و حساسی باید رعایت شود که مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها، این است که سخنران باید اولاً و بالذات شوری در سر و سوزی در سینه و خلوصی در گفتار و کرداری مطابق گفتار و عشق و علاقه‌ی وافر به مستمعان داشته باشد و گرنه کلامش بی‌اثر خواهد بود، هر چند به ظاهر جانب متانت و وقار و طمأنینه را حفظ کند و در گفتار، با صوتی رسا و

آمادگی قبلی دچار نگرانی و اضطراب خواهد شد. سخنرانی که طرح را به خاطر سپرده یا در دست داشته باشد، مانند کسی است که خود را بیمه کرده، و فارغ از نگرانی و اضطراب به سخنرانی می‌پردازد. چنین خردی با نظم و ترتیب و اطمینان صحبت می‌کند و می‌داند چه و چگونه بگوید؛ از شاخه‌ی به شاخه‌ی دیگر نمی‌پرد، بی‌جا حاشیه نمی‌رود و از موضوع دور نمی‌شود.

**سخنران،  
باید اولاً و  
بالذات، شوری در سر  
و سوزی در سینه و  
خلوصی در گفتار و کرداری  
مطابق گفتار و عشق و  
علاقه‌ای وافر نسبت به  
مستمعان داشته باشد و  
گرنه، کلامش بی‌اثر  
خواهد بود**

#### ۵- مقامات منبر

سخنرانی را سه بخش کرده‌اند: مقدمه، متن، نتیجه. برخی این مراحل

آهنگی گیرا، جمیع آداب و قواعد سخن گفتن را رعایت کند.

#### ۸- نگاه

سخنگو باید به مستمع توجه داشته باشد و نگاه خود را طوری بین مستمعان تقسیم کند که همه تصور کنند گوینده مستقیماً با آن‌ها سخن می‌گوید. هرگز هنگام سخنرانی، به بیرون پنجره، زمین، در و دیوار یا مناظر اطراف نگاه نکند. این عمل رابطه‌ی کلامی شنونده و گوینده را قطع می‌کند.

امروزه، شنوندگان، بیش‌تر به حرف کسانی گوش می‌دهند که طبیعی و خالصی از تکلف و تصنع سخن بگویند. لفاظی و عبارت پردازی به شیوه‌ی کهن خریدار ندارد. از سخنران انتظار فلسفه بافی و آوردن کلمات مترادف و پی در پی و وقت پُرکن و گنگ و مبهم و قلمبه حرف زدن نیست.

#### ۹- صداقت

باید راست و استوار در برابر جمع ایستاد و راست گفت؛ زیرا، مؤثرترین

کلام، سخنی است که از روی ایمان گفته شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ صَدَّقَتْ لَهُجَّتُهُ، قَوِيَتْ حُجَّتُهُ»،

راستی در گفتار، مایه‌ی استحکام منطق و نفوذ کلام است.

#### ۱۰- پرورش قوه‌ی ناطقه

روزی پانزده دقیقه به اصلاح نقایص صوت خود اختصاص دهید و هنگام صحبت با اشخاص، حتی در مذاکرات تلفنی، این تمرین را ادامه دهید. به صحبت دیگران به دقت توجه کنید و سعی کنید آنچه در گفتار دیگران نمی‌پسندید، در گفتار شما نباشد.

جهت کسب آهنگ مطبوع و ملایم، باید نرم و ملایم و مهربان باشیم. آهنگ و صوت، آینه‌ی تمام‌نمای احساسات است؛ اگر خشمگین باشید، آهنگ شما خشن است؛ اگر به گفتار خود اطمینان ندارید، از لحن شما پیدا است؛ اگر هیجان و اضطراب بر روح شما مستولی باشد، آهنگ از حال طبیعی خارج می‌گردد.

#### ۱۱- عذرخواهی و شکسته نفسی

سخنران نباید از تواضع به اظهار تذلل گراید و به جای حسن مطلع از

ناتوانی و عدم شایستگی خود سخن بگوید؛ زیرا در بسیاری از موارد شکسته نفسی اظهار عجز و ناتوانی تلقی می‌گردد.

## ۱۲- تَكْلُفٌ وَ تَصْنَعٌ

امروزه شنونده‌گان بیش‌تر به حرف کسانی گوش می‌دهند که طبیعی و خالی از تکلّف و تصنع سخن بگویند. لفاظی و عبارت پردازی به شیوه‌ی کهن خریدار ندارد. از سخنران، انتظار فلسفه بافی و آوردن کلمات مترادف و پی‌در پی و وقت پُرکن و گنگ و مبهم و قلمبه حرف زدن نیست.

## ۱۳- مختصر و مفید

کلامی بر جان می‌نشیند که علاوه بر استواری لفظ و معنا مختصر و مفید باشد. اگر در کلمات قصار امیر کلام علیه السلام نظر کنید، می‌بینید که چه گونه حضرت معانی بلند را از قرآن کریم استخراج و در مقام موعظه در عبارتی کوتاه پرداخته است.

## ۱۴- ادب و احترام

نکته‌یی که در سخنرانی، در هر حال رعایتش ضروری است، ادب و احترام به شنونده است. حضرت علی علیه السلام

می‌فرماید: «الأدب صورة العقل» ادب سیمای عقل است.

سخنران، در سخن گفتن، اگر عفت کلام و ادب را رعایت نکند، به هدف خود - که اقناع و ترغیب مستمعان است - نمی‌رسد.

---

روزی پانزده دقیقه به اصلاح نقایص صوت خود اختصاص دهید و هنگام صحبت با اشخاص، حتی در مذاکرات تلفنی، این تمرین را ادامه دهید. به صحبت دیگران به دقت توجه کنید و سعی کنید آنچه در گفتار دیگران نمی‌پسندید، در گفتار شما نباشد.

---

## ۱۵- فراموشی، حرکات تند

هنگام فراموشی، نگاه خود را از مستمعان بردارید، هر چند در حال فکر کردن باشید. از صلوات فرستادن شعارها می‌توان استفاده کرد. و مانند کسی نباشید که تازه از خواب برخاسته، به این طرف و آن طرف نگاه می‌کند. حرکات تند یا مداوم بر روی پاشنه‌ی پا کوتاه و بلند شدن، مرتب کردن لباس و... را،

مستمعان، نمی‌پسندند.

جا و مناسب و طبیعی باشد. توجه داشته باشید غذا شور نشود.

#### ۱۹ - مطالعه

سخنران باید جراید و مجلات را همه روزه بخواند و با کتاب مأنوس باشد تا از افکار و روحیه‌ی جامعه و رخدادها، با خبر باشد.

#### ۲۰ - یادداشت

گوینده باید ضمن مطالعه هر مطلبی را که می‌خواهد روزی مورد استفاده قرار دهد، در فیش‌هایی، با نظم و ترتیب و با ذکر مأخذ، به نحو موضوعی، یادداشت کند و برگه‌دانی برای عناوین مختلف داشته باشد.

#### ۲۱ - پرگویی و تطویل

شنوندگان به سخنان دراز و ملال‌آور گوش نمی‌دهند، بلکه دشمن افراد بسیارگو هستند.

#### ۲۲ - زمان

اگر برای سخنرانی زمانی معین گردیده، سعی کنید از حد معین تجاوز نکنید.

#### ۲۳ - عوامل جذابیت

الف) اگر بی‌بلندگو صحبت می‌کنید، طوری سخن بگویید که همه

حرکات دست و سر، وقتی مفید است که تمام توجه مستمع را جلب نکند؛ بلکه به فهم مطلب کمک کند و به قدری طبیعی باشد که فقط اثر آن احساس گردد. نه خود حرکات.

#### ۱۶ - نمی‌دانم

سعدی بر مزاج مستمع سخن گفتن را لازم شمرده، ولی منظورش مجاز یا دروغ نیست. خطیب نباید از گفتن «نمی‌دانم» بترسد.

مولای پرهیزکاران می‌فرماید: «لا خیر فی الصمت عن الحکم كما أنه لا خیر فی القول بالجهل»؛<sup>(۱)</sup> آن جا که باید گفت خاموشی نشاید.

#### ۱۷ - زبان خوش

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿قولوا للناس حسناً﴾؛<sup>(۲)</sup> با مردم با زبان خوش سخن بگویید.

امیر بیان علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَذِب لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ»؛ زبان خوش دوستان شخص را زیاد می‌کند.

#### ۱۸ - نمک

به کار بردن لطفه‌های شیرین و مطایبه مانند نمک طعام است؛ باید به

بشنوند و اگر از بلندگو استفاده می‌کنید، صدای بلندگو را تنظیم کنید.

ب) یکنواخت و مسلسل وار حرف نزنید. گاه تند و گاهی کند باید صحبت کرد. قبل از کلمات مهم، اندکی مکث لازم است.

ج) سخنران باید در همه‌ی موارد جانب متانت و وقار را نگهدارد؛ از به کار بردن عبارات‌های مستهجن و قبیح به شدت بسپرهیزد و مخاطبان را با تعبیرهای وزین، مانند «حضار گرامی» و «شنوندگان ارجمند» مورد خطاب قرار دهد.

از تعبیرهای ناخوشایند، مانند «درست توجه کن» و «مطالبی که امروز می‌خواهم بگویم، تاکنون نشنیده‌اید، استفاده نکند.

#### ۲۴ - عفت کلام

از ویژگی‌های سخنوران مذهبی پاکی و عفت زبان است. از قرآن بیاموزیم که چه نیکو حساس‌ترین مطالب را در لفافه بیان می‌کند.

#### ۲۵ - حافظه

حافظه از مباحث علم روان‌شناسی است و با سخنوری ارتباط دارد. با

اطمینان به حافظه‌ی خود، می‌توانید سخنران خوب و موفقی باشید. اگر اعتماد خود را به حافظه از دست بدهید، حافظه‌ی شما ضعیف خواهد شد.

#### ۲۶ - راه‌های تقویت حافظه

الف) به حافظه‌ی خود اعتماد کنید.

ب) با اراده و علاقه‌ی قوی، مطالب را یاد بگیرید.

ج) اطلاعاتی که تازه کسب کرده‌اید، با اطلاعات پیشین تطبیق کنید.

د) از انتقاد نترسید؛ از این که شاید هدف استهزای دیگران قرار گیرید، نهراسید. اگر بترسید و از میدان به در روید، قوه‌ی مفکره‌ی شما از کار می‌افتد. ترس قوه‌ی دژا که را ضعیف می‌کند.

ه) پرورش قوه‌ی حافظه در تمام عمر، باید دنبال شود. در سنین بالا نیز قرآن و احادیث و اشعار و آمار را حفظ کنید.

و) خودتان را از نظر جسمی و عقلی و اجتماعی با افراد موفق جامعه مقایسه نکنید؛ زیرا حس حقارت پیدا می‌شود. تفاوت‌های فردی نباید فراموش شود.

ز) حس حقارت در سویدای انسان گاه ایجاد ناخشنودی و عناد می‌کند؛



ولی از طرفی سرچشمه‌ی همه‌ی تلاش‌ها و مجاهدت‌های بشر همین حس است. همین حس در حال عادی منشأ ترقی و پیشرفت است؛ ولی در حال غیر عادی، نوعی بیماری روحی و

عصبی به وجود می‌آورد. بنابراین، نگذارید حس حقارت، در شما عقده شود و روح شما را بیازارد، بلکه بکوشید تا همین عقده، سبب پیشرفت شما گردد.

باکمال جرأت و شجاعت، با اهل فضیلت رفت و آمد داشته باشید.

۲۷- نفوذ و مهرورزی

امیر بیان می‌فرماید:

«أعجز الناس مَنْ عجز عن اكتساب الإخوان»<sup>(۳)</sup>

ناتوان‌ترین مردم، کسی است که از دوست‌یابی ناتوان باشد.

به قول سعدی، «ناتوان‌تر کسی است که دوستی را که به عمری فراچنگ آورده، از دست بدهد.»

به مردم شدیداً ابراز علاقه کنید و از راه محبت روح‌ها را تسخیر کنید.

۲۸- فرصت‌ها

چه فرصت‌ها که در زندگی پیش می‌آید و ما، آن‌ها را از دست می‌دهیم! دوران تعلل و سهل‌انگاری، سپری شده است! حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«الفرصةُ ثمرةُ مَرِّ السحابِ فانتهزوا فُرصَ الخیر»<sup>(۴)</sup>

حس حقارت، در سویدای انسان، گاه ایجاد ناخشنودی و عناد می‌کند، ولی از طرفی، سرچشمه‌ی همه‌ی تلاش‌ها و مجاهدت‌های بشر، همین حس است. همین حس، در حال عادی، منشأ ترقی و پیشرفت است، ولی در حال غیر عادی، نوعی بیماری روحی و عصبی به وجود می‌آورد. بنابراین نگذارید حس حقارت، در شما عقده شود و روح شما را بیازارد، بلکه بکوشید تا همین عقده، سبب پیشرفت شما گردد. باکمال جرأت و شجاعت، با اهل فضیلت، رفت و آمد داشته باشید.

فرصت‌ها، مانند ابر تند سیر، از  
صحنه‌ی زندگی می‌گذرد، فرصت‌های  
خیر را غنیمت شمارید!

۲۹ - حسن ختام

بسیاری از استادان فنّ، حُسن  
مَقْطَع را از حُسن مَطَّلَع مهم‌تر  
دانسته‌اند، به این دلیل که کلمات آخر،  
در اکثر موارد، اثر گفته‌های آغازین را از  
میان می‌برد. بنا بر این، اگر هدف ترغیب  
است و بخواهند شنوندگان را به انجام  
دادن کاری تشویق کنند، در خاتمه  
تحریک احساسات مناسب است؛ و اگر  
هدف، اقناع است، جمع بندی و بیان  
خلاصه‌ی استدلال‌ها برای ثبت در  
اذهان مؤثر است؛ و اگر هدف تعلیم و  
تربیت باشد، جان کلام را به طریق دیگر  
تکرار کنند تا اثر خوشی در اذهان باقی  
بماند.

نگاهی دیگر به این اثر

اگر از منظر بررسی کاستی‌ها به این

اثر نگاه شود، اشکال‌های فراوانی  
خودنمایی می‌کند که: محرومیت از  
ویرایش، ضعف قلم، آشفتگی و  
پراکندگی مطالب، بی‌ربط بودن و حاشیه  
روی بی‌تناسب، وجود عناوین نامناسب،  
مطالب ضعیف، تعبیرهای غیر وزین،  
قِلَّتِ اَطْلَاعِ مؤلّف از برخی از منابع  
اسلامی و نهادهای سیاسی کشور، نقص  
فنی ارجاع‌ها، نداشتن نظم منطقی و  
تبویب و تفصیل مناسب، ذکر نکردن  
مآخذ و منابع، از آن جمله است.

نیز کتاب، خالی از اشکال‌های  
املایی و... نیست.

خواننده‌ی کتاب، به راحتی بر این  
موارد دست می‌یابد.

پی نوشتها:

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۱۸۲.

۲ - سوره بقره، آیه ۸۳.

۳ - نهج البلاغه، حکمت ۱۱.

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۳۰.